

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی - ایران
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۶

نگرانی از "جمهوری مداحان" و جنگ قدرتی که در پشت آن جریان دارد!

نگرانی از آن چه که روزنامه جمهوری اسلامی آن را "جمهوری مداحان" نامیده است، در میان رقبای جناح حاکم و روحانیون نزدیک به آن ها بالا گرفته است. در حقیقت جناح ناراضی و موردحمله، از فرصتی که پاسخ سرمداح معروف و نظرکرده بیت رهبری و نهادهای امنیتی-منصورارضی- به وجود آورد، بهره جسته و به یک ضدحمله مبادرت ورزید. وی در پاسخ خود، "امام حسین" را الگوی خویش دانسته و مدعی شد که "امام سوم" هم فحش می داده است. البته در پشت این مناقشه و فحش های سیاسی که با استفاده از تریبون مراسم عزاداری و صدا و سیما صورت گرفته است، نبرد قدرت و تصفیه حساب سیاسی نهفته است. او با پیش کشیدن پای "امام حسین" این فرصت را برای این جناح فراهم آورد تا تحت عنوان دفاع از مقدسات و توهین به "امام سوم" و جلب حمایت بخش هایی از روحانیون، حریف متعرض و هتاک را به بادحمله بگیرد. اما نکته مهم در این ضدحمله بیش از خودمداحان مخاطبان غیرمستقیم یعنی حامیان آن ها و در رأسشان بیت خامنه ای است.

همه می دانند که مداحان امروزه بیانگر لمپنیسم مذهبی و چماق گوش به فرمان باندهای وابسته به کانون قدرت اند، که یک پایشان به در بارخامنه ای وصل است و نظرکرده وی به شمار می روند. پای دیگرشان هم به سپاه و دستگاه های امنیتی موازی گره خورده و بخشی از ابواب جمعی و مهمات پرسروصدای آن ها به شمار می روند؛ به طوری که هروقت و به هر سو که دلشان خواست آن ها را کیش می دهند. این جماعت که اکنون برای خود دم و دستگاهی به هم زده اند و حتی حاکمیت برای پرورش نسل جدیدی از مداحان دانشگاه هم برایشان تأسیس کرده است؛ در ایام مذهبی، به ویژه در مراسم دهه اول محرم و ... دکانشان حسابی گرم است و مضمون اصلی آن هم، سوای معرکه گیری برای جلب به اصطلاح مردم و جوانان، تصفیه حساب با رقبای جناح حاکم است که بنا به مقتضای لمپنیسم مذهبی با تندترین و گاهی رکیک ترین الفاظ همراه است تا حدی که مواجهه رودر رو و متعارف با آن ها را مشکل می سازد.

بیشتر ها خامنه ای در دیدار با آن ها، ضمن حمله به کسانی که از روضه خوانی ها و مراسم مذهبی به اصطلاح سکولار دفاع می کنند که به زعم وی از نشانه های بارز اسلام آمریکائی است، خطاب به مداحان گفته بود در نظام اسلامی روضه خوانی بدون ورود به سیاست معنادار. مقصود از سیاسی بودن هم روشن است: حمایت بی چون و چرا از ولی

فقیه و دفاع از اصول گرایان و افشای سیاست های جناح رقیب. به این ترتیب مجالس روضه خوانی و عزاداری آغشته به تصفیه حساب های سیاسی شده است.

تصادفی هم نیست که این روزها شاهدافشای لیست های ۱۵- ۲۰ میلیون تومانی برای هر شب مداحی هستیم که نشان می دهد، که هم سیاست است هم تجارت و پول پارو می کنند (رسم است که چک آن را داخل پاکت می گذارند و به عنوان هدیه پیشکش می کنند!). علاوه بر این افشاهای تازه در باره فسادهای پشت پرده این جماعت در این روزها نیز تصادفی نیست و بخشی از ضدحمله به شمار می رود. چرا که جناح مخالف به خوبی از نقش این لمپن های مذهبی در جنگ قدرت آگاه هستند و به خصوص تجربه سال های آخر ریاست جمهوری احمدی نژاد را وقتی که با خامنه ای در افتاد، به یاد دارند: این که چگونه توسط باندهای حاکم علیه احمدی نژاد کیش داده شدند و به یاد داریم که چگونه و با چه زبان ریکی رئیس جمهوری بر ساخته بیت رهبر را که خود این حضرات در آن زمان حامی سرسختش بودند، خراب کردند و سر جایش نشانند.

اما ابراز نگرانی و هشدار مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی از خطر تحقق یافتن نظریه "جمهوری مداحان" نشان می دهد، جناح رقیب که حمایت بخشی از روحانیون را که تاخت و تاز مداحان رونق دکان آن ها را نیز تهدید می کند با خود دارد، در این عرصه مثل احمدی نژاد خلع سلاح نیست و از فرصت به دست آمده برای ضدحمله بهره می جوید.

دو نکته قابل توجه در این ماجرا:

اول آن که طرف اصلی این ضدحمله ولو به طور غیرمستقیم، بیت خامنه ای و شخص ولی فقیه و نهادهای نزدیک به او است که حامی مستقیم مداحان هستند و مداحان نیز به حمایت آن ها دل گرم اند. یعنی جنگ در بالاترین سطوح قدرت جریان دارد.

دوم آن که دین زدائی و سکولاریزه شدن جامعه به نحو طنز آمیزی از دو ریل پیش می رود: یکی همان ریل اصلی و طبیعی مقاومت و مبارزه مستقیم جامعه است در برابر دست اندازی های دین به حوزه های خصوصی و عمومی و خلاصه همه جوانب زندگی. دوم به شکل غیرمستقیم یعنی مذهب زدائی از طریق خودمذهب حاکم و خودافشاهای هایش. این مذهب زدائی با افشای این که چگونه مذهب تبدیل به ابزار و دکان قدرت و سوء استفاده شده به افشای دزدی ها و فسادهای یک دیگر مبادرت می ورزند. مثل تجاوز به نوجوانان توسط قاری نظرکرده رهبر* و یا قداست زدائی به دست خود از "امام سومشان". این وقایع در کل نشان می دهند که مذهب چگونه با نشستن بر سکان قدرت ناگزیر است از خود پرده برداری کند. در زمانه ای که مذهب سیاسی و مدعی حاکمیت باید به موزه سپرده شود و برای محترم ماندن تن در حد گرایش ها و باورهای آزاد افراد جامعه به زیست در خارج از حوزه عمومی و قدرت سیاسی تن دهد و گرنه نه فقط به طور اجتناب ناپذیر با یک جنبش بنیان کنی که سکولاریزه شدن جامعه یکی از مطالبات اصلی آن است مواجه خواهد شد، بلکه در قالب طنز تاریخی، خود ناگزیر خواهد بود که در اجرای حکم تاریخ مبنی بر سپرده شدن مذهب سیاسی به موزه، مشارکت کرده و به راز زدائی و پرده برداری از خویشان بپردازد!

این نکته را هم باید در پایان افزود، که همه این تحولات در چهارچوب روندی صورت می گیرد که افول و گندیدگی کامل اسلام سیاسی- که از قضا توسط مداحان به نازل ترین و مبتذل ترین شکل خود ارائه می گردد- هم چون فازنهانی یک پارادایم گندیده و در حال افول، نه فقط در ایران که در گستره منطقه، در جریان است.

تجاوز به کودکان قرآنی:

<http://www.iranpressnews.com/source/201427.htm>

عاشورا و استجابت دعا!

زمانی عاشورا به تاریخ گذشته تعلق داشت. به زمان دوری که به ویژه شیعیان کوشیده اند تا از طریق مراسم آئینی و شمایل و خون افشانی و عبور از گداخته های آتش و فرق خودشکافتن .. خاطره اش را زنده نگهدارند. اما امروزه گویا آن علم ها، کتل ها، شمشیرها و شمایل ها جان گرفته اند و به معنی واقعی به میدان آمده و عرض وجود می کنند. «شمشیرها» نه در هوا که بر گردن ها و پیکرها از بزرگ تا کودک است که فرومی آیند. دعائی که چندین قرن خوانده می شد، کل یوم عاشورا، و کل عرض کربلا- هر روز عاشوراست و هر جا کربلا- گویا از جانب خدائی که گفته می شود ارحم الراحمین هم هست و نگهدارنده آسمان و زمین در هوا و خالق بهشت و جهنم، بالاخره مورداجابت واقع شده است؛ از شام و حلب سوریه تا کربلا و موصل عراق و تا پاکستان و افغانستان و... همه جا و هر روزیوم العاشورا شده و دعاکنندگان به آرزوی بزرگ خود نائل شده اند! کشتار و سربریدن و تکه تکه کردن و... در میان فرق شیعه و سنی چنان مغلوبه شده است که تراژیدی عاشورای واقعی باید در برابرش لنگ بیندازد! به طوری که سرگذشت حسین فرزندی و اهل بیتش در برابر آن یک پذیرائی شاهانه به نظر می رسد. گویا این هم گوشه ای از پیچ و خم احمقانه تاریخ دردناک انسان شدن است: به جان هم می افیم و کشت و کشتار می کنیم، تا وقتی که یک طرف از نفس بیفتد. آن گاه آن واقعه را تقدیس کرده و سالیان سال یاد و خاطره اش را نه به عنوان درسی برای عبور از فاجعه و اجتناب از تکرار خشونت، بلکه با حسرت به دل مانده مظلومیت امان و زنده نگهداشتن شعله های انتقام، گرمی می داریم تا روزی که لحظه انتقام فرا برسد. آیا تراژیدی و کشتارهای کنونی هم اگر فرو بنشیند، آئین ها و سوگواری ها و شمایل های خود را خواهد داشت... تا زمانی که دو باره....

به یادداشته باشیم که شمایل ها و آئین ها، هم برای بزرگتر ها و هم کودکان آینده تمرین هستند و سخن ها می گویند: بسته به آن که محتوایش چه باشد، انتقام یا به تمسخر کشیدن جنون آدمیزاد، راهی است به سوی بربریت یا دور شدن از آن!

۲۰۱۶/۱۰/۱۶ تقی روزبه

<http://www.iranpressnews.com/source/201427.htm>